

نقش اندیشه‌های فلسفی و اخلاقی سعدی در شکل‌گیری ساختار بلاغی و مفاهیم کلیدی گلستان و بوستان

فاطمه ناصر^۱، احمد رضا محمدی^۲، زهرا احمدی^۳

۱. گروه نقد و نظریه، دانشگاه سراسری خوارزمی، تهران، ایران

۲. گروه نقد و نظریه، دانشگاه سراسری خوارزمی، تهران، ایران

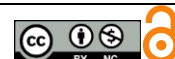
۳. گروه نقد و نظریه، دانشگاه سراسری خوارزمی، تهران، ایران

* ایمیل نویسنده مسئول: MohammadiAhmadreza@gmail.com

چکیده

این مقاله به تحلیل اندیشه‌های فلسفی و اخلاقی سعدی و بررسی تأثیر آن‌ها بر ساختار بلاغی و مفاهیم کلیدی در آثار او، به‌ویژه گلستان و بوستان، می‌پردازد. سعدی با بهره‌گیری از آرایه‌های بلاغی مختلف و استفاده از زبان ساده و در عین حال پرمحتوا، مفاهیم پیچیده فلسفی و اخلاقی را در قالب حکایات کوتاه و تمثیل‌ها به مخاطبان خود منتقل کرده است. در این پژوهش، ابتدا به بررسی مفاهیم فلسفی مانند حکمت، اعتدال و خردورزی که در آثار سعدی به‌طور مکرر مشاهده می‌شوند، پرداخته شده و سپس ارتباط این مفاهیم با ساختارهای بلاغی مانند استعاره، تشبیه، ایجاز و تکرار بررسی شده است. این مقاله همچنین نشان می‌دهد که چگونه ساختار تمثیلی حکایات سعدی به انتقال پیام‌های اخلاقی و فلسفی کمک کرده است. نتایج پژوهش بیانگر آن است که سعدی با استفاده از ابزارهای بلاغی، توانسته است مفاهیم اخلاقی را در قالب زبان هنری و ادبی به‌طور مؤثر به خواننده منتقل کند. علاوه بر این، این تحقیق با مقایسه نتایج به‌دست‌آمده با مطالعات پیشین، نشان می‌دهد که پژوهش‌های قبلی نیز به‌طور مشابه به تأثیر زبان و بلاغت در انتقال مفاهیم اخلاقی در آثار سعدی پرداخته‌اند. در نهایت، مقاله بر اهمیت تحلیل پیوند میان بلاغت و فلسفه در فهم عمیق‌تر آثار سعدی تأکید می‌کند و پیشنهاداتی برای پژوهش‌های آینده در این حوزه ارائه می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: سعدی، بلاغت، فلسفه اخلاقی، حکمت، اعتدال، خردورزی، گلستان، بوستان، تمثیل.



شیوه استناددهی: ناصر، فاطمه، محمدی، احمد رضا، و احمدی، زهرا. (۱۴۰۳). نقش اندیشه‌های فلسفی و اخلاقی سعدی در شکل‌گیری ساختار بلاغی و مفاهیم کلیدی گلستان و بوستان. گنجینه زبان و ادبیات فارسی، ۲(۱)، ۹۷-۱۱۱.

© ۱۴۰۳ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به‌صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

تاریخ ارسال: ۲۸ دی ۱۴۰۲

تاریخ بازنگری: ۷ اسفند ۱۴۰۲

تاریخ پذیرش: ۲۳ اسفند ۱۴۰۲

تاریخ چاپ: ۱۳ فروردین ۱۴۰۳

The Treasury of Persian Language and Literature

The Role of Saadi's Philosophical and Ethical Thoughts in Shaping the Rhetorical Structure and Key Concepts of Golestan and Bustan

Fatemeh Naser¹, Ahmad Reza Mohammadi^{2*}, Zahra Ahmadi³

1. Department of Criticism and Theory, Kharazmi University, Tehran, Iran

2. Department of Criticism and Theory, Kharazmi University, Tehran, Iran

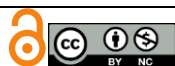
3. Department of Criticism and Theory, Kharazmi University, Tehran, Iran

*Corresponding Author's Email: MohammadiAhmadreza@gmail.com

Abstract

This article analyzes Saadi's philosophical and ethical thoughts and explores their impact on the rhetorical structure and key concepts in his works, particularly Golestan and Bustan. By utilizing various rhetorical devices and employing simple yet meaningful language, Saadi has successfully conveyed complex philosophical and ethical concepts through short stories and allegories to his audience. This study first examines philosophical concepts such as wisdom, moderation, and rationality, which are recurrently found in Saadi's works, and then investigates how these concepts are interconnected with rhetorical structures such as metaphor, simile, brevity, and repetition. The article also demonstrates how the allegorical structure of Saadi's tales aids in transmitting ethical and philosophical messages. The findings of the study indicate that Saadi, through the use of rhetorical tools, has effectively communicated ethical concepts in a literary and artistic manner to the reader. Moreover, by comparing the results with previous studies, it shows that earlier research similarly focused on the impact of language and rhetoric in conveying ethical concepts in Saadi's works. Finally, the article emphasizes the importance of analyzing the connection between rhetoric and philosophy in achieving a deeper understanding of Saadi's works and suggests future research directions in this field.

Keywords: *Saadi, Rhetoric, Ethical Philosophy, Wisdom, Moderation, Rationality, Golestan, Bustan, Allegory.*



How to cite: Naser, F., Mohammadi, A. R. & Ahmadi, Z. (2024). The Role of Saadi's Philosophical and Ethical Thoughts in Shaping the Rhetorical Structure and Key Concepts of Golestan and Bustan. *The Treasury of Persian Language and Literature*, 2(1), 97-111.

© 2024 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Submit Date: 18 January 2024

Revise Date: 25 February 2024

Accept Date: 13 March 2024

Publish Date: 1 April 2024

مقدمه

ادبیات فارسی، به عنوان یکی از برجسته‌ترین جلوه‌های فرهنگی و هنری ایران، همواره در طول تاریخ نقش بی‌بدیلی در انتقال مفاهیم فلسفی، اخلاقی و اجتماعی ایفا کرده است. در این میان، سعدی شیرازی به عنوان یکی از ارکان اصلی ادب فارسی، جایگاهی بی‌همتا در ارائه آموزه‌های فلسفی و اخلاقی دارد. آثار وی، به‌ویژه گلستان و بوستان، نه تنها نمایانگر شکوه و عظمت زبان فارسی هستند، بلکه به عنوان متونی که در ساختار بلاغی خود مفاهیم ژرف فلسفی و اخلاقی را جای داده‌اند، الگویی ماندگار از ادبیات تعلیمی را به نمایش می‌گذارند. از این رو، بررسی اندیشه‌های سعدی در این دو اثر، به‌ویژه از منظر نقش آن‌ها در شکل‌گیری ساختار بلاغی و مفاهیم کلیدی، ضرورتی اساسی در فهم جایگاه سعدی در تاریخ ادبیات فارسی است.

یکی از دلایل اهمیت این پژوهش، توجه به ارتباط میان فلسفه، اخلاق و بلاغت در آثار سعدی است. سعدی، برخلاف بسیاری از شاعران هم‌عصر خود، با بهره‌گیری از زبانی ساده اما عمیق و پرمغز، توانست مفاهیمی چون عدالت، حکمت، اعتدال و نوع‌دوستی را به زبانی بیان کند که هم برای خواص و هم برای عوام قابل درک باشد. این ویژگی نه تنها از نظر زیبایی‌شناختی، بلکه از منظر تعلیمی نیز آثار وی را به الگویی ماندگار تبدیل کرده است. گلستان و بوستان با داستان‌ها و حکایات تمثیلی خود، دریچه‌ای به فهم عمیق‌تر از اندیشه‌های سعدی می‌گشایند و مطالعه دقیق این متون می‌تواند به درک بهتر از ارتباط میان ساختار بلاغی و پیام‌های اخلاقی آن‌ها کمک کند.

پژوهش‌های متعددی تاکنون به بررسی ابعاد مختلف آثار سعدی پرداخته‌اند. برای مثال، زرین کوب (۱۳۸۸) در کتاب از کوچه رندان به تحلیل بلاغت و زبان سعدی پرداخته و تأثیرات فرهنگی و اجتماعی آثار او را مورد بررسی قرار داده است. همچنین، شفیعی کدکنی (۱۳۹۱) در کتاب موسیقی شعر به تحلیل جنبه‌های

زیبایی‌شناختی آثار سعدی اشاره کرده است. در حوزه فلسفه و اخلاق نیز پژوهش‌هایی چون اثر نفیسی (۱۳۴۵) در کتاب فلسفه و حکمت سعدی به جایگاه آموزه‌های اخلاقی در آثار وی پرداخته‌اند. با وجود این، کمتر پژوهشی به بررسی جامع و عمیق ارتباط میان اندیشه‌های فلسفی و اخلاقی سعدی و ساختار بلاغی آثار وی پرداخته است. این خلأ پژوهشی، ضرورت بررسی دقیق‌تر این موضوع را دوچندان می‌کند.

پرسش اصلی این پژوهش آن است که چگونه اندیشه‌های فلسفی و اخلاقی سعدی در شکل‌گیری ساختار بلاغی و مفاهیم کلیدی گلستان و بوستان نقش داشته‌اند؟ به بیان دیگر، آیا می‌توان میان عناصر بلاغی و زبانی این دو اثر و پیام‌های فلسفی و اخلاقی آن‌ها ارتباطی معنادار یافت؟ علاوه بر این، این پژوهش به دنبال آن است که نشان دهد چگونه سعدی با بهره‌گیری از تکنیک‌های بلاغی توانسته است مفاهیم پیچیده فلسفی و اخلاقی را به گونه‌ای ارائه دهد که برای طیف گسترده‌ای از مخاطبان قابل درک و اثرگذار باشد.

هدف اصلی این پژوهش آن است که با تحلیل دقیق و سیستماتیک متون گلستان و بوستان، به درک بهتری از شیوه‌های بلاغی سعدی در انتقال مفاهیم اخلاقی و فلسفی دست یابد. این پژوهش بر آن است که نشان دهد چگونه سعدی توانسته است از ابزارهای بلاغی چون ایجاز، استعاره، تمثیل و ساختار داستانی برای تقویت پیام‌های اخلاقی و فلسفی خود بهره ببرد. علاوه بر این، این مطالعه به دنبال آن است که جایگاه سعدی را در سنت ادبیات تعلیمی فارسی برجسته کند و نشان دهد که چرا آثار وی همچنان پس از قرن‌ها مورد توجه و تحسین قرار می‌گیرند.

این پژوهش از لحاظ نظری و عملی اهمیت فراوانی دارد. از منظر نظری، تحلیل رابطه میان بلاغت و فلسفه در آثار سعدی می‌تواند به فهم عمیق‌تر از سنت ادبیات فارسی کمک کند و جایگاه سعدی را به عنوان یک متفکر و شاعر چندوجهی برجسته سازد. از منظر

عملی نیز، یافته‌های این پژوهش می‌توانند به تدوین راهکارهایی برای آموزش ادبیات فارسی و انتقال مفاهیم اخلاقی به نسل‌های جدید کمک کنند. در نهایت، این پژوهش به دنبال آن است که نه تنها به فهم بهتری از آثار سعدی دست یابد، بلکه افق‌های جدیدی را برای مطالعه ارتباط میان اخلاق، فلسفه و بلاغت در ادبیات فارسی بگشاید.

روش‌شناسی

برای تحلیل نقش اندیشه‌های فلسفی و اخلاقی سعدی در شکل‌گیری ساختار بلاغی و مفاهیم کلیدی گلستان و بوستان، این پژوهش از یک رویکرد میان‌رشته‌ای بهره می‌گیرد که در آن اصول ادبیات فارسی، فلسفه و اخلاق، و بلاغت با یکدیگر تلفیق شده‌اند. مبنای نظری پژوهش بر پایه ترکیب نظریات سنتی در حوزه بلاغت و سبک‌شناسی ادبی و دیدگاه‌های نوین تحلیل متنی استوار است. از دیدگاه فلسفی و اخلاقی، چارچوب این مطالعه بر مفاهیمی چون اعتدال، حکمت عملی، و نظام اخلاقی که در سنت‌های اسلامی و ایرانی ریشه دارد، متمرکز است. در این راستا، آرای اندیشمندان کلاسیک و معاصر در زمینه بلاغت فارسی و فلسفه اسلامی به‌عنوان چارچوب تئوریک مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

روش پژوهش در این مقاله کیفی است و بر تحلیل محتوای متنی آثار سعدی متمرکز است. در این تحلیل، متون گلستان و بوستان به‌عنوان نمونه‌های اصلی بررسی شده‌اند، زیرا این دو اثر از مهم‌ترین آثار سعدی در انتقال مفاهیم فلسفی و اخلاقی به شمار می‌روند. فرایند تحلیل شامل مطالعه دقیق و جزء به جزء متون این دو اثر بوده و بر استخراج و طبقه‌بندی مفاهیم کلیدی و ساختارهای بلاغی آن‌ها تمرکز دارد. در این تحلیل، ابتدا مفاهیم اخلاقی و فلسفی در هر متن شناسایی شده و سپس ارتباط آن‌ها با آرایه‌های بلاغی و ساختار روایی بررسی شده است.

در بخش عملی پژوهش، داده‌ها از طریق تحلیل متنی عمیق و تفسیری گردآوری شده است. در این روش، ابتدا تمام داستان‌ها،

حکایات و اشعار در گلستان و بوستان به‌صورت مجزا مورد مطالعه قرار گرفته‌اند و محورهای اخلاقی و فلسفی در هر بخش شناسایی شده است. سپس با استفاده از تکنیک‌های سبک‌شناسی، ساختارهای بلاغی هر بخش بررسی و تحلیل شده‌اند. این فرایند با هدف کشف پیوند میان مفاهیم اخلاقی و فلسفی با ساختارهای بلاغی انجام شده است تا نشان دهد که چگونه سعدی از ابزارهای بلاغی برای تقویت پیام‌های اخلاقی و فلسفی خود بهره برده است. برای تضمین دقت در تحلیل و جلوگیری از سوگیری، داده‌ها در چندین مرحله مورد بررسی قرار گرفته‌اند. ابتدا تحلیل اولیه توسط نویسنده انجام شده و سپس یافته‌ها با آثار مشابه و پژوهش‌های پیشین تطبیق داده شده‌اند تا از هم‌خوانی نتایج اطمینان حاصل شود. در عین حال، برای درک بهتر زمینه تاریخی و فرهنگی آثار سعدی، منابع تاریخی و تفسیری مرتبط با دوره زندگی سعدی نیز به‌عنوان منابع ثانویه استفاده شده‌اند. این منابع شامل تفسیرهای کلاسیک و مدرن از گلستان و بوستان، و همچنین آثاری که به تحلیل سنت بلاغت و اخلاق در ادبیات فارسی پرداخته‌اند، بوده است.

این پژوهش همچنین از یک رویکرد مقایسه‌ای برای بررسی تفاوت‌ها و شباهت‌های بلاغی و مفهومی در گلستان و بوستان بهره برده است. این رویکرد امکان می‌دهد تا تعامل میان دو اثر به‌صورت دقیق‌تری بررسی شود و نقش ساختار بلاغی در انتقال مفاهیم اخلاقی و فلسفی مورد تحلیل قرار گیرد. در نهایت، یافته‌های این پژوهش در قالب تحلیل تفسیری ارائه شده‌اند تا به درک عمیق‌تری از جایگاه اندیشه‌های سعدی در ادبیات فارسی و سنت بلاغی کمک کنند.

پیشینه پژوهش

اندیشه‌های فلسفی و اخلاقی سعدی از دیرباز مورد توجه پژوهشگران، ادیبان و اندیشمندان بوده است. جایگاه برجسته سعدی در ادبیات فارسی به‌ویژه به دلیل توانایی وی در ترکیب

آموزه‌های اخلاقی و فلسفی با ساختارهای بلاغی و روایی مورد تحسین قرار گرفته است. آثار سعدی، به‌ویژه گلستان و بوستان، به دلیل عمق مفهومی و زیبایی‌های ادبی، بارها از زوایای مختلف مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. بسیاری از پژوهش‌ها به تحلیل آموزه‌های اخلاقی سعدی پرداخته‌اند و تلاش کرده‌اند تا تأثیر اندیشه‌های فلسفی وی را بر مفاهیم ادبی و اجتماعی نشان دهند. یکی از نخستین مطالعات برجسته در این زمینه، اثر نفیسی (۱۳۴۵) است که به بررسی نظام اخلاقی سعدی و تأثیر آن بر مخاطبان معاصر و آیندگان پرداخته است. او در این پژوهش نشان می‌دهد که چگونه سعدی با استفاده از آموزه‌های اخلاقی ریشه‌دار در سنت اسلامی و ایرانی توانسته است جامعه‌ای ایده‌آل را به تصویر بکشد که در آن تعادل، خردورزی و انصاف نقش محوری دارند.

از سوی دیگر، زرین‌کوب (۱۳۸۸) در کتاب از کوچه زندان به تحلیل جنبه‌های بلاغی و مفهومی آثار سعدی پرداخته است. او معتقد است که سعدی با تکیه بر آرایه‌های ادبی و سبک بلاغی بی‌نظیر خود، توانسته است مفاهیم اخلاقی و فلسفی پیچیده را به زبانی ساده و روان بیان کند. این ویژگی باعث شده که آثار او همواره مورد توجه طیف گسترده‌ای از مخاطبان قرار گیرد. زرین‌کوب همچنین بر این نکته تأکید دارد که بلاغت سعدی نه تنها در آرایه‌های زبانی و ادبی، بلکه در شیوه داستان‌پردازی و ترکیب مفاهیم نیز نمود یافته است. به اعتقاد او، ساختار بلاغی گلستان و بوستان، نه تنها به انتقال مفاهیم کمک می‌کند، بلکه خود بخشی از پیام اخلاقی و فلسفی آثار است.

شفیعی کدکنی (۱۳۹۱) نیز در کتاب موسیقی شعر به جنبه‌های زیبایی‌شناختی آثار سعدی پرداخته و بر نقش موسیقایی زبان سعدی در تأثیرگذاری بر مخاطب تأکید کرده است. او بیان می‌کند که سعدی با بهره‌گیری از موسیقی درونی کلام، نه تنها زیبایی اثر را افزایش داده، بلکه توانسته است مفاهیم اخلاقی را به گونه‌ای ارائه دهد که در ذهن مخاطب به یاد ماندنی شود. شفیعی کدکنی

همچنین به بررسی جنبه‌های روایی و تعلیمی آثار سعدی پرداخته و نشان داده است که چگونه ساختارهای بلاغی در گلستان و بوستان به انتقال مفاهیم اخلاقی و فلسفی کمک کرده‌اند.

علاوه بر این، یوسفی (۱۳۷۵) در کتاب برگزیده گلستان و بوستان به تحلیل آموزه‌های اخلاقی سعدی پرداخته و ارتباط این آموزه‌ها را با مفاهیمی چون عدالت، حکمت و نوع‌دوستی بررسی کرده است. یوسفی تأکید می‌کند که سعدی با استفاده از تمثیل‌ها و داستان‌های کوتاه، توانسته است مفاهیم پیچیده را به زبانی ساده بیان کند و از این رو آثار او همچنان برای مخاطبان معاصر جذابیت دارد. او همچنین بیان می‌کند که سعدی با بهره‌گیری از عناصر بلاغی چون استعاره، ایجاز و تشبیه، توانسته است تأثیر مفاهیم اخلاقی را بر مخاطب تقویت کند.

با وجود این مطالعات ارزشمند، شکاف‌های پژوهشی قابل توجهی در این زمینه وجود دارد. یکی از این شکاف‌ها، کمبود تحلیل‌های جامع و میان‌رشته‌ای است که به‌طور هم‌زمان به بررسی مفاهیم فلسفی، اخلاقی و بلاغی در گلستان و بوستان بپردازند. بیشتر پژوهش‌های موجود یا به تحلیل جنبه‌های اخلاقی و فلسفی آثار سعدی محدود شده‌اند یا تنها به بررسی ساختارهای بلاغی و ادبی پرداخته‌اند. به همین دلیل، بررسی ارتباط میان این دو حوزه و تأثیر متقابل آن‌ها بر یکدیگر کمتر مورد توجه قرار گرفته است. پژوهش حاضر بر آن است که این شکاف را پر کند و با ارائه تحلیلی جامع، نشان دهد که چگونه سعدی با ترکیب مفاهیم اخلاقی و فلسفی با ساختارهای بلاغی، توانسته است اثری ماندگار و چندلایه خلق کند.

اهمیت بررسی ساختار مفهومی گلستان و بوستان نیز از این نظر برجسته است که این دو اثر نمایانگر اوج هنر سعدی در ترکیب مفاهیم و ساختارها هستند. گلستان با حکایات کوتاه و پرمفهوم خود، الگویی بی‌نظیر از ترکیب داستان‌پردازی و تعلیم اخلاقی ارائه می‌دهد، در حالی که بوستان به‌عنوان یک اثر منظوم، مفاهیم

اخلاقی و فلسفی را با زبانی شاعرانه و دل‌نشین بیان می‌کند. این دو اثر نه تنها به‌عنوان متونی تعلیمی، بلکه به‌عنوان آثاری بلاغی و هنری نیز مورد توجه قرار گرفته‌اند و مطالعه آن‌ها می‌تواند به درک عمیق‌تری از جایگاه سعدی در ادبیات فارسی کمک کند.

اندیشه‌های فلسفی و اخلاقی سعدی

سعدی شیرازی، یکی از برجسته‌ترین شاعران و حکمای ایرانی، در آثار خود مفاهیم عمیق فلسفی و اخلاقی را به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم مطرح کرده است. این مفاهیم که در گلستان و بوستان به وضوح قابل مشاهده‌اند، نه تنها نمایانگر جهان‌بینی شخصی او هستند، بلکه ریشه در سنت‌های فلسفی اسلامی و ایرانی دارند. از جمله مفاهیم برجسته‌ای که در آثار سعدی به چشم می‌خورد، می‌توان به حکمت، اعتدال و خردورزی اشاره کرد. این مفاهیم همگی نشان‌دهنده رویکرد عقلانی و اخلاقی سعدی به زندگی و جامعه هستند.

حکمت، به‌عنوان یکی از مفاهیم اساسی در فلسفه اسلامی و ایرانی، در آثار سعدی نیز جایگاه ویژه‌ای دارد. در دیدگاه سعدی، حکمت تنها به معنای دانش و فهم نیست، بلکه به‌عنوان راهی برای رسیدن به فضایل اخلاقی و تحقق عدالت در زندگی انسانی مطرح می‌شود. سعدی در گلستان و بوستان با بهره‌گیری از داستان‌ها و حکایات مختلف، به تبیین حکمت عملی پرداخته است. او معتقد است که انسان باید علاوه بر دانش، دارای فضایل اخلاقی چون صداقت، انصاف، و نوع‌دوستی باشد. در حکایتی از گلستان، سعدی به وضوح می‌گوید که حکمت تنها در اندیشیدن به مسائل فلسفی محدود نمی‌شود، بلکه در عمل به ارزش‌ها و اصول اخلاقی است که در زندگی روزمره به‌کار گرفته می‌شود (زرین‌کوب، ۱۳۸۸). این دیدگاه در آثار بسیاری از حکما و فلاسفه اسلامی، از جمله ابن‌سینا و فارابی، نیز قابل مشاهده است.

اعتدال یکی دیگر از مفاهیم برجسته در اندیشه‌های سعدی است. این مفهوم به‌ویژه در زمینه اخلاق و رفتار انسان‌ها با دیگران اهمیت

دارد. در نظر سعدی، اعتدال به معنای رعایت میانه‌روی در تمام جوانب زندگی است. او در بوستان و گلستان با داستان‌ها و مثال‌هایی نشان می‌دهد که انسان باید در تمامی امور زندگی خود از افراط و تفریط پرهیز کند. به‌عنوان نمونه، در حکایتی از گلستان، سعدی از حکمت و اعتدال در برخورد با قدرت و ثروت سخن می‌گوید و تأکید می‌کند که هیچ‌چیز به‌اندازه حفظ تعادل در استفاده از قدرت و مال نمی‌تواند به خوشبختی انسان منجر شود (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۱). این مفهوم از اعتدال در سنت‌های فلسفی اسلامی به‌ویژه در آثار کسانی چون غزالی و ابن‌مسکویه نیز مشاهده می‌شود. در این آثار، اعتدال به‌عنوان یک اصل اخلاقی برجسته در دستیابی به سعادت فردی و اجتماعی مطرح شده است.

خردورزی، یکی دیگر از اصول اساسی در اندیشه‌های سعدی است. خردورزی در نظر سعدی نه تنها به معنای داشتن دانش و آگاهی است، بلکه به معنای استفاده صحیح و به‌موقع از این دانش در مواجهه با مشکلات و چالش‌های زندگی است. سعدی در بوستان و گلستان با تأکید بر اهمیت خرد در تصمیم‌گیری‌های فردی و اجتماعی، انسان را به استفاده از عقل و تدبیر در امور زندگی دعوت می‌کند. در داستان‌های او، خردورزی غالباً به‌عنوان راه‌حلی برای مشکلات فردی و اجتماعی معرفی می‌شود. به‌عنوان مثال، در حکایتی از بوستان، سعدی به‌وضوح نشان می‌دهد که چگونه خرد و تدبیر می‌تواند به‌عنوان ابزاری برای حفظ صلح و عدالت در جامعه عمل کند (یوسفی، ۱۳۷۵). این دیدگاه در سنت‌های فلسفی ایران و اسلام، از جمله در آثار فارابی و ابن‌سینا، به‌ویژه در زمینه حکمت عملی، مورد تأکید قرار گرفته است.

در کنار این مفاهیم فلسفی، آموزه‌های اخلاقی سعدی نیز نقش مهمی در شکل‌دهی به پیام‌های او در گلستان و بوستان ایفا کرده‌اند. سعدی در آثار خود به‌طور خاص بر فضایل اخلاقی چون صداقت، نوع‌دوستی، انصاف، و بخشش تأکید دارد. این آموزه‌ها به‌ویژه در قالب داستان‌ها و حکایات کوتاه به مخاطب منتقل می‌شود. یکی

از ویژگی‌های برجسته آثار سعدی، استفاده از تمثیل‌ها و حکایات آموزنده برای انتقال مفاهیم اخلاقی است. در این حکایات، سعدی معمولاً از افراد مختلف با ویژگی‌های گوناگون استفاده می‌کند تا نشان دهد که چگونه فضایل اخلاقی می‌توانند در زندگی فردی و اجتماعی به کار گرفته شوند.

یکی از آموزه‌های اخلاقی برجسته سعدی، تأکید بر اهمیت انصاف و عدل در روابط انسانی است. او در بسیاری از حکایات خود، به‌ویژه در گلستان، به داستان‌هایی اشاره می‌کند که در آن‌ها افراد بر اساس اصول انصاف و عدالت رفتار می‌کنند و از این طریق به راحتی به راه‌حل‌های اخلاقی و درست دست می‌یابند. به عنوان مثال، در داستانی از گلستان، سعدی به وضوح نشان می‌دهد که چگونه یک قاضی با استفاده از انصاف و عدل، توانسته است به یک نزاع پیچیده میان دو طرف پایان دهد و حق را به صاحب آن بازگرداند (همای، ۱۳۶۶). این آموزه‌های اخلاقی به‌ویژه در دوران معاصر نیز تأثیر زیادی داشته و مورد توجه بسیاری از اندیشمندان و فیلسوفان اخلاق قرار گرفته است.

آموزه دیگر سعدی، نوع دوستی است. سعدی در گلستان و بوستان بارها بر اهمیت کمک به دیگران و رفتار نیکو با افراد نیازمند تأکید کرده است. او به‌ویژه در بوستان، با استفاده از داستان‌های تمثیلی، نشان می‌دهد که نوع دوستی نه تنها در بعد فردی، بلکه در سطح اجتماعی نیز می‌تواند به بهبود شرایط جامعه و کاهش مشکلات کمک کند. به عنوان مثال، در حکایتی از بوستان، سعدی از انسانی سخاوتمند یاد می‌کند که با کمک به دیگران نه تنها از خود بلکه از جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند، بهره‌مند می‌شود (زرین کوب، ۱۳۸۸). این آموزه‌ها از دیرباز در فلسفه اسلامی و ایرانی مورد توجه بوده‌اند و سعدی با تأکید بر آن‌ها در آثار خود، نقش مهمی در ترویج ارزش‌های اخلاقی در جامعه ایفا کرده است.

در مجموع، اندیشه‌های فلسفی و اخلاقی سعدی، با تکیه بر مفاهیم حکمت، اعتدال و خردورزی، نقشی اساسی در شکل‌دهی به

پیام‌های آثار او دارند. این مفاهیم نه تنها در بطن حکایات و داستان‌های گلستان و بوستان موجودند، بلکه به عنوان ارکان اصلی فلسفه اخلاقی سعدی در همه آثار او حضور دارند. سعدی با بهره‌گیری از زبان ساده و در عین حال پرمحتوا، توانسته است مفاهیم پیچیده فلسفی را در قالب حکایات کوتاه و آموزنده به مخاطب منتقل کند. این ویژگی باعث شده که آثار او نه تنها در زمان خودش، بلکه در طول قرون متمادی، به عنوان منابعی معتبر در زمینه فلسفه اخلاق و حکمت عملی مورد استفاده قرار گیرند.

ساختار بلاغی گلستان و بوستان

ساختار بلاغی آثار سعدی، به‌ویژه گلستان و بوستان، از جمله ویژگی‌های برجسته‌ای است که موجب تأثیرگذاری فراوان این آثار در تاریخ ادبیات فارسی شده است. سعدی در این دو اثر با بهره‌گیری از آرایه‌های بلاغی متنوع و تکنیک‌های زبانی پیچیده، توانسته است مفاهیم اخلاقی و فلسفی خود را به شیوه‌ای هنری و مؤثر انتقال دهد. تحلیل ساختار بلاغی این دو اثر به ما این امکان را می‌دهد که درک بهتری از شیوه‌های بیانی سعدی به دست آوریم و همچنین پیوند میان زبان، محتوا و پیام‌های اخلاقی او را بهتر بشناسیم. سعدی با استفاده از استعاره‌ها، تشبیهات، ایجاز، تکرار و دیگر آرایه‌های ادبی، ساختاری به وجود آورده است که نه تنها از نظر زیبایی‌شناختی جذاب است، بلکه در انتقال مفاهیم اخلاقی و فلسفی نیز مؤثر واقع می‌شود.

یکی از آرایه‌های برجسته‌ای که در آثار سعدی به وفور دیده می‌شود، استعاره است. سعدی از استعاره برای انتقال مفاهیم پیچیده و عمیق فلسفی و اخلاقی بهره می‌برد. برای مثال، در بسیاری از حکایات گلستان و بوستان، افراد و اشیاء به عنوان استعاره‌ای برای ویژگی‌های اخلاقی یا فلسفی به کار می‌روند. در یکی از حکایات گلستان، سعدی از گل و بوته به عنوان استعاره‌هایی برای نمایش زیبایی‌های اخلاقی انسان‌ها استفاده می‌کند. او با استفاده از این استعاره‌ها، مفاهیم زیبایی، کمال و

نیکویی را به صورت غیرمستقیم به مخاطب انتقال می‌دهد. این شیوه، ضمن اینکه جنبه زیبایی‌شناختی دارد، به خواننده این امکان را می‌دهد که مفاهیم اخلاقی را در سطحی عمیق‌تر و فلسفی‌تر درک کند (زرین‌کوب، ۱۳۸۸).

تشبیه نیز یکی دیگر از آرایه‌های بلاغی مهمی است که سعدی در گلستان و بوستان به کار می‌برد. تشبیه به عنوان ابزاری برای ایجاد تصویرهای ذهنی واضح و ملموس، در حکایات سعدی به شکل گسترده‌ای استفاده شده است. او با استفاده از تشبیه‌ها، روابط میان مفاهیم اخلاقی و انسانی را به طور واضح‌تر و قابل‌فهم‌تر برای مخاطب بیان می‌کند. در یکی از حکایات بوستان، سعدی با تشبیه انسان‌ها به درختان و باغ‌ها، به طور غیرمستقیم به مفهوم رشد اخلاقی و روحی اشاره می‌کند. او با استفاده از این تشبیه‌ها، مخاطب را به تفکر و تأمل در خصوص رفتارهای انسانی و اثرات آن‌ها بر جامعه و طبیعت فرا می‌خواند (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۱).

ایجاز یکی دیگر از ویژگی‌های برجسته زبان سعدی است. ایجاز، به‌ویژه در حکایات کوتاه گلستان، موجب می‌شود که مفاهیم پیچیده در کمترین کلمات بیان شوند. سعدی با استفاده از ایجاز، توانسته است پیام‌های اخلاقی خود را به صورتی مختصر و مفید منتقل کند، به طوری که هر کلمه و جمله در اثر او بار معنایی زیادی دارد. این ویژگی باعث می‌شود که آثار سعدی نه تنها از نظر بلاغی جذاب باشند، بلکه تأثیرگذاری آن‌ها نیز دوچندان شود. برای مثال، در حکایتی از گلستان، سعدی تنها با چند جمله کوتاه، مفهومی عمیق در خصوص اخلاق فردی و اجتماعی را بیان می‌کند. این ایجاز، ضمن اینکه موجب زیبایی زبان سعدی می‌شود، به طور هم‌زمان پیام‌های اخلاقی و فلسفی او را به شکل مؤثری منتقل می‌کند (یوسفی، ۱۳۷۵).

تکرار، به عنوان یک آرایه بلاغی دیگر، در گلستان و بوستان به وفور دیده می‌شود. تکرار در آثار سعدی به‌ویژه در جهت تأکید بر مفاهیم اخلاقی و فلسفی به کار می‌رود. او با تکرار برخی مفاهیم

حکایات مختلف، می‌خواهد به خواننده این پیام را بدهد که این مفاهیم، اصول اساسی زندگی انسان هستند و باید در رفتار و گفتار انسان‌ها به طور مداوم تجلی یابند. در بوستان، سعدی با تکرار مفهوم اعتدال در حکایات مختلف، بر اهمیت این اصل اخلاقی تأکید می‌کند. این تکرار، ضمن ایجاد انسجام و هم‌خوانی در اثر، به تقویت پیام‌های اخلاقی و فلسفی سعدی نیز کمک می‌کند (همایی، ۱۳۶۶).

علاوه بر این، یکی از ویژگی‌های برجسته ساختار بلاغی گلستان و بوستان، استفاده از ساختار تمثیلی در داستان‌ها و حکایات است. سعدی در هر دو اثر خود به‌ویژه از تمثیل‌ها برای بیان مفاهیم اخلاقی و فلسفی استفاده کرده است. داستان‌های تمثیلی سعدی، به طور خاص در بوستان، بازتاب‌دهنده اصول اخلاقی و اجتماعی هستند و در عین حال، آموزش‌هایی برای بهبود رفتار فردی و اجتماعی ارائه می‌دهند. در این حکایات تمثیلی، سعدی از شخصیت‌ها و موقعیت‌های مختلف به عنوان نماینده‌های مفاهیم اخلاقی و اجتماعی استفاده می‌کند. به عنوان مثال، در یکی از حکایات بوستان، سعدی از تمثیلی استفاده می‌کند که در آن یک فرد به عنوان نماینده خرد و دیگری به عنوان نماینده جهل معرفی می‌شود. این ساختار تمثیلی، به طور مؤثری مفاهیم فلسفی و اخلاقی سعدی را به خواننده منتقل می‌کند و او را به تأمل در خصوص رفتارهای خود و جامعه‌اش فرا می‌خواند (غنی، ۱۳۶۳).

ساختار بلاغی سعدی در گلستان و بوستان نه تنها در آرایه‌های زبانی و بلاغی به کار رفته است، بلکه در پیوند دادن این آرایه‌ها به مفاهیم اخلاقی و فلسفی نیز بسیار مؤثر است. سعدی با استفاده از ساختارهای بلاغی، توانسته است مفاهیم اخلاقی و فلسفی را به طور غیرمستقیم و هنری به مخاطب منتقل کند. این پیوند میان زبان و معنا، ساختاری چندلایه را به وجود آورده است که نه تنها در سطح ادبی بلکه در سطح فکری و اخلاقی نیز تأثیرگذار است. برای مثال، در گلستان و بوستان، بسیاری از حکایات به طور مستقیم

به مفاهیم اخلاقی و فلسفی مانند حکمت، اعتدال و خردورزی پرداخته‌اند، در حالی که ساختار بلاغی این حکایات به‌طور غیرمستقیم این مفاهیم را تقویت و تثبیت می‌کند (زرین‌کوب، ۱۳۸۸).

در نهایت، می‌توان گفت که ساختار بلاغی گلستان و بوستان، با استفاده از آرایه‌های بلاغی مختلف مانند استعاره، تشبیه، ایجاز و تکرار، به‌عنوان ابزاری برای انتقال مفاهیم اخلاقی و فلسفی به‌شکلی مؤثر عمل کرده است. سعدی با بهره‌گیری از این ابزارها، توانسته است پیام‌های خود را به‌طور هنری و در عین حال عمیق به مخاطب منتقل کند. پیوند میان ساختار بلاغی و مفاهیم اخلاقی در آثار سعدی، نشان‌دهنده استادی بی‌نظیر او در ایجاد توازن میان زبان، محتوا و پیام است.

بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش، تلاش شده است تا رابطه میان اندیشه‌های فلسفی و اخلاقی سعدی و ساختار بلاغی آثار او، به‌ویژه گلستان و بوستان، مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد. همان‌طور که در بررسی‌های انجام‌شده مشخص شد، سعدی به‌عنوان یکی از برجسته‌ترین شاعران و حکمای فارسی‌زبان، توانسته است با بهره‌گیری از تکنیک‌های بلاغی و آرایه‌های ادبی مختلف، مفاهیم فلسفی و اخلاقی پیچیده را به‌شکلی هنری و مؤثر به مخاطب منتقل کند. در این آثار، پیوند میان زبان و محتوا به‌طور شگفت‌انگیزی برقرار است و این دو عنصر در کنار یکدیگر پیام‌های عمیق و معنوی را به خواننده منتقل می‌کنند.

سعدی در ساختار بلاغی گلستان و بوستان از آرایه‌های ادبی مختلفی مانند استعاره، تشبیه، ایجاز و تکرار استفاده کرده است. این آرایه‌ها به‌ویژه در جهت انتقال مفاهیم اخلاقی و فلسفی، نقشی اساسی ایفا می‌کنند. به‌طور مثال، استعاره‌هایی که سعدی از طبیعت، گل‌ها، درختان و سایر مفاهیم استفاده کرده است، نه تنها زیبا و هنری هستند، بلکه در انتقال مفاهیم اخلاقی و فلسفی نیز بسیار

مؤثرند. در این میان، استفاده از تمثیل‌ها در حکایات گلستان و بوستان جایگاه ویژه‌ای دارد. داستان‌ها و حکایات تمثیلی که سعدی در این آثار به‌کار برده است، نه تنها به‌عنوان ابزاری برای آموزش اخلاق، بلکه به‌عنوان وسایلی برای بیان مفاهیم فلسفی نیز عمل می‌کنند. برای مثال، در بسیاری از حکایات، سعدی با استفاده از شخصیت‌های مختلف انسانی و طبیعی، مفاهیم اخلاقی مانند انصاف، نوع‌دوستی و صداقت را به‌صورت تمثیلی به تصویر کشیده است. این روش، ضمن آنکه در سطح زبانی جذاب است، مفاهیم فلسفی پیچیده‌ای را نیز به‌طور غیرمستقیم به مخاطب منتقل می‌کند.

در تحلیل ارتباط میان اندیشه‌های فلسفی و اخلاقی با ساختار بلاغی، این نکته بسیار مهم است که سعدی به‌طور ویژه از زبان برای تقویت پیام‌های اخلاقی خود استفاده کرده است. زبان در آثار سعدی تنها یک ابزار ارتباطی نیست، بلکه به‌عنوان یک وسیله فکری و فلسفی عمل می‌کند. به‌ویژه در بوستان که یک اثر منظوم است، زبان به‌طور پیوسته در خدمت انتقال پیام‌های اخلاقی و فلسفی قرار دارد. در این اثر، سعدی به‌شکلی هنری و با استفاده از زبانی ساده، مفاهیم پیچیده‌ای چون اعتدال، حکمت و خردورزی را مطرح می‌کند. این مفاهیم در عین حال که دارای بار معنایی سنگینی هستند، از طریق زبان بلاغی به‌شکلی مؤثر و قابل فهم برای مخاطبان مختلف بیان می‌شوند. همچنین، ایجاز و تکرار در ساختار زبانی آثار سعدی باعث می‌شود که مفاهیم به‌طور مستقیم به مخاطب منتقل شده و در ذهن او باقی بماند. این ویژگی، به‌ویژه در گلستان که عمدتاً از حکایات کوتاه تشکیل شده است، بارزتر به چشم می‌آید. در این اثر، سعدی از ایجاز برای انتقال پیام‌های اخلاقی و فلسفی خود استفاده کرده است، به‌طوری‌که هر حکایت و جمله دربردارنده یک نکته اخلاقی یا فلسفی است که به‌طور مؤثر و با کمترین کلمات بیان می‌شود.

نتایج این پژوهش با مطالعات پیشین همخوانی دارد. در بسیاری از پژوهش‌ها، به‌ویژه در تحلیل‌های بلاغی آثار سعدی، تأکید زیادی بر نقش زبان در انتقال پیام‌های اخلاقی و فلسفی شده است. شفیع‌ی کدکنی (۱۳۹۱) در کتاب موسیقی شعر بر اهمیت موسیقی درونی زبان سعدی تأکید می‌کند و بیان می‌کند که این موسیقی درونی موجب تسهیل درک مفاهیم پیچیده اخلاقی و فلسفی می‌شود. همچنین زرین‌کوب (۱۳۸۸) در از کوچه‌رندان به ارتباط میان زبان و محتوا در آثار سعدی اشاره می‌کند و بر این نکته تأکید دارد که سعدی با استفاده از زبان زیبا و مؤثر خود، مفاهیم اخلاقی و فلسفی را به‌طور شگفت‌انگیزی به مخاطب منتقل کرده است. در این پژوهش نیز، همان‌طور که مشاهده شد، پیوند میان ساختار بلاغی و مفاهیم اخلاقی و فلسفی در آثار سعدی به‌وضوح قابل مشاهده است و نتایج این تحقیق تأکید می‌کند که سعدی با استفاده از ابزارهای بلاغی، توانسته است پیام‌های خود را به‌طور هنری و مؤثر به خوانندگان منتقل کند.

نتیجه‌گیری

در این پژوهش، ساختار بلاغی گلستان و بوستان سعدی و رابطه آن با اندیشه‌های فلسفی و اخلاقی او مورد بررسی قرار گرفت. نتایج تحقیق نشان می‌دهند که سعدی با بهره‌گیری از آرایه‌های بلاغی مختلف، توانسته است مفاهیم پیچیده فلسفی و اخلاقی را به‌شیوه‌ای هنری و مؤثر به مخاطبان منتقل کند. استعاره، تشبیه، ایجاز، تکرار و ساختار تمثیلی، همگی از ابزارهای بلاغی‌ای هستند که سعدی در آثار خود به‌طور مؤثر از آن‌ها استفاده کرده است تا

only remarkable for their literary style and aesthetic value but also for their in-depth exploration of moral, philosophical, and social themes. The primary objective of this study is to analyze how Saadi's philosophical and ethical ideas are intricately woven into the rhetorical structure of his works. By examining

مفاهیم اخلاقی و فلسفی خود را تقویت کند. این ساختار بلاغی نه تنها از نظر زیبایی‌شناختی جذاب است، بلکه در انتقال پیام‌های اخلاقی و فلسفی سعدی نیز نقشی کلیدی ایفا می‌کند.

همچنین، نتایج این تحقیق با مطالعات پیشین همخوانی دارد و تأکید می‌کند که سعدی از زبان به‌عنوان ابزاری فکری و فلسفی استفاده کرده است. زبان در آثار سعدی نه تنها وسیله‌ای برای ارتباط است، بلکه به‌عنوان یک ابزار برای بیان مفاهیم اخلاقی و فلسفی عمل می‌کند. این ویژگی در گلستان و بوستان به‌ویژه با استفاده از ایجاز و تکرار، به‌طور مؤثری پیام‌های سعدی را به خواننده منتقل می‌کند.

با توجه به اهمیت این موضوع، پیشنهاد می‌شود که پژوهش‌های آینده به‌طور گسترده‌تر به تحلیل پیوند میان بلاغت و فلسفه در آثار دیگر شاعران کلاسیک فارسی نیز پرداخته و تأثیر این پیوند در شکل‌گیری ادبیات فارسی را مورد مطالعه قرار دهند. همچنین، تحلیل‌های جدید می‌توانند به بررسی تأثیرات اجتماعی و فرهنگی این مفاهیم در زمانه سعدی پرداخته و نشان دهند که چگونه مفاهیم اخلاقی و فلسفی سعدی همچنان در جوامع مختلف کاربرد دارند.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

EXTENDED ABSTRACT

Saadi Shirazi, one of the most influential figures in Persian literature, is renowned for embedding profound philosophical and ethical thoughts into his literary works, particularly in *Golestan* (The Rose Garden) and *Bustan* (The Orchard). These two masterpieces are not

the rhetorical devices used in *Golestan* and *Bustan*, this research aims to demonstrate the connection between Saadi's literary techniques and his underlying moral and philosophical messages. The study also highlights the role of allegorical storytelling and rhetorical devices in shaping the ethical and philosophical themes of Saadi's works.

In Saadi's works, the concepts of wisdom, moderation, and rationality are key philosophical themes that reflect his worldview. These concepts are central to the moral framework that Saadi promotes throughout his stories, where human behavior and social relationships are consistently measured against these ideals. Wisdom in Saadi's philosophy is not merely intellectual knowledge but practical knowledge that guides ethical conduct. He often uses allegories and metaphors to explore the complex nature of wisdom and its application in daily life. Moderation is another crucial ethical concept in Saadi's work, which is consistently emphasized as a necessary virtue for personal and social harmony. By balancing extremes in behavior and thought, individuals can live a fulfilling and just life. Rationality, or the use of reason, plays an integral role in Saadi's moral philosophy. It is through reason that individuals can discern what is right and wrong and live according to ethical principles. These philosophical principles serve as the foundation for Saadi's narrative and rhetorical structure in *Golestan* and *Bustan*, where the stories not only entertain but also instruct the

reader in the application of these virtues (Zarrinkoub, 1989).

Saadi's use of rhetorical devices in *Golestan* and *Bustan* is not merely decorative but serves a deeper purpose of conveying philosophical and ethical teachings. Among the rhetorical techniques he employs, metaphor and allegory stand out as particularly significant. In many of his stories, Saadi uses metaphors drawn from nature—flowers, trees, and other elements of the natural world—to symbolize various ethical qualities and human experiences. These metaphors are not only aesthetically pleasing but also carry deep moral and philosophical significance. For instance, in one of the tales from *Golestan*, the metaphor of a garden is used to represent the human soul, where the cultivation of virtues is akin to nurturing a garden. This metaphor encapsulates Saadi's belief in the importance of inner cultivation and moral development. Furthermore, the allegorical stories in Saadi's works allow for multiple layers of meaning, where the reader is invited to explore the deeper moral and philosophical implications of each narrative. Saadi's use of allegory as a rhetorical tool facilitates the communication of complex ideas in a way that is both accessible and engaging for the reader (Shafiei Kadkani, 2012).

The role of brevity and conciseness in Saadi's rhetorical style cannot be overlooked. In both *Golestan* and *Bustan*, Saadi uses brevity to convey profound moral and philosophical insights in a succinct and direct manner. This

characteristic of Saadi's style has been widely appreciated for its ability to deliver ethical messages without unnecessary elaboration. The concise nature of his narratives reflects his belief in the importance of clarity and efficiency in moral instruction. Each sentence in Saadi's work is carefully crafted to serve a specific purpose, whether it is to deliver a moral lesson, present a philosophical argument, or provoke reflection in the reader. This quality is particularly prominent in *Golestan*, which consists of short, self-contained anecdotes that offer valuable lessons on various aspects of life, including justice, compassion, and self-control. Saadi's use of brevity enhances the impact of his ethical teachings, making them more memorable and easier for the reader to internalize (Yousofi, 1996).

Repetition is another rhetorical device that Saadi employs to reinforce his philosophical and ethical themes. By repeating key concepts and moral lessons throughout *Golestan* and *Bustan*, Saadi emphasizes their importance and ensures that these ideas remain at the forefront of the reader's mind. The repetition of certain moral concepts, such as justice, kindness, and humility, serves to underline their centrality to Saadi's moral philosophy. This technique not only reinforces the ethical messages but also creates a rhythmic quality in the text, which contributes to the aesthetic pleasure of reading Saadi's works. Repetition, therefore, functions both as a rhetorical device and a pedagogical tool, helping the reader to

absorb and retain the moral lessons embedded in the stories (Hamaei, 1987).

One of the most distinctive features of Saadi's rhetorical structure is his use of allegorical storytelling. The allegories in *Golestan* and *Bustan* are not mere literary devices but serve as vehicles for conveying Saadi's ethical and philosophical ideas. In these allegories, the characters and situations often represent broader social, moral, and spiritual lessons. For example, Saadi frequently uses allegorical figures to depict virtues such as generosity, patience, and courage, as well as vices such as greed, arrogance, and ignorance. Through these allegories, Saadi explores the complexities of human nature and the challenges of living an ethical life. The stories are designed to provoke reflection on the nature of virtue and the consequences of immoral behavior. The allegorical form allows Saadi to address complex moral questions in a way that is both engaging and thought-provoking, inviting the reader to consider the deeper implications of the narratives (Ghani, 1984).

The findings of this study are consistent with earlier research on Saadi's works, which have highlighted the connection between rhetoric and philosophy in his writings. Previous studies have also emphasized the role of rhetorical devices in conveying moral lessons and philosophical ideas. Shafiei Kadkani (2012) and Zarrinkoub (1989) have both noted the importance of Saadi's use of language as a vehicle for moral instruction, highlighting how

his rhetorical techniques enhance the effectiveness of his ethical teachings. Additionally, the use of allegory and metaphor has been identified as a key feature of Saadi's style, allowing him to communicate complex ideas in a manner that is accessible to a wide audience. This research builds upon these earlier studies by offering a detailed analysis of the relationship between Saadi's philosophical and ethical thoughts and the rhetorical structures in *Golestan* and *Bustan*. The study demonstrates that Saadi's mastery of rhetoric is integral to the success of his ethical and philosophical messages, and that his works remain a valuable resource for understanding the moral and philosophical landscape of Persian literature (Ghani, 1984).

References

- Ghani, M. (1984). Saadi and his time. Tehran: Nashr-e Niy.
- Hamaei, J. (1987). Saadi-Nameh [The Saadi's Book]. Tehran: Amir Kabir Publishing.
- Shafiei Kadkani, M. (2012). Musiqi-ye She'r [The Music of Poetry]. Tehran: Nashr-e Sokhan.
- Yousofi, G. (1996). Bergozideh-ye Golestan va Bustan [Selections from Golestan and Bustan]. Tehran: Khwarazmi Publishing.
- Zarrinkoub, A. (1989). Az Kocheh-ye Randan [From the Alley of the Libertines]. Tehran: Scientific and Cultural Publications.